دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده
۳۸-۲۶ / (۱) ۲/ ۱۳۹۵
دریافت: ۰۳/ ۰۸/ ۱۳۹۵
پذیرش: ۲۰/ ۰۸/ ۱۳۹۵

Family Pathology, Counseling & Enrichment Journal
2016/ 2 (1)/26-38
Received:
Accepted:

مقایسه نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عاطفی دختران فراری و بهنجار[1]

The Comparison of Basic Psychological Needs, Affect Regulation in Runaway Girls and Normal Girls

فهمیه زارعی نژاد *
مالک میرهاشمی **

Fahimeh Zareenejad
Malek Mirhashemi

چکیده

هدف اساسی این پژوهش مقایسه نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عاطفی دختران فراری و بهنجار بود. جامعه آماری شامل دختران فراری و دانش‌آموزان دختر بهنجار مقطع دبیرستان در شهر تهران بود. نمونه آماری شامل ۵۰ دختر فراری و ۵۰ دختر عادی بود که از نظر سن و طبقه اجتماعی خانواده همتا شدند. حجم نمونه براساس حجم نمونه‌های مطالعات قبلی برآورد شد. پس از کسب مجوز از سازمان بهزیستی و مراجعه به پزشکی قانونی استان تهران، دختران فراری در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. برای انتخاب دختران بهنجار پس از مراجعه به ۴ دبیرستان شهر تهران از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. ابزار اندازه‌گیری عبارت بودند از مقیاس نیازهای روان شناختی بنیادی (دسی و ریان، ۲۰۰۰) و مقیاس سبک‌های تنظیم عاطفی مارس(۲۰۰۴). نتایج نشان داد که بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران بهنجار در هر سه مؤلفه خودپیروی، شایستگی و ارتباط تفاوت معنی‌دار وجود دارد($p<۰/۰۱$). همچنین، بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران بهنجار در ۵ مؤلفه تنظیم عاطفی (شناختی، رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییرموقعیت عاطفی و خلق منفی) تفاوت معنی‌دار به دست آمد($p<۰/۰۱$).

واژگان کلیدی: *تنظیم عاطفی، فرار از خانه، نیازهای روان شناختی بنیادی*

Abstract

The basic objective of this study is to investigating the basic psychological needs and affect regulation of runaway and normal girls. The population included girls living in Tehran who had attempted to escape from their home and the normal girls students in Tehran. Statistical sample includes 50 runaway girls and 50 normal girls that matched with runaway girls group in term of age and social class. The runaway girls were selected by referring to welfare organization, forensic medicine of Tehran province and were administrated the scales. In regard to runaway girls, accidental sampling was examined. The normal girls were selected by simple random sampling method. The measurement tools were Basic Psychological Needs Scale (BPNS) and Measure of Affect Regulation Styles (MARS). *The results showed that there is significant difference between the scores mean of runaway* girls and normal girls in each three components of autonomy, competence, and relation ($p<0.01$). Also, There is *there is significant difference between the scores mean of runaway* girls and normal girls in 5 components of affect regulation (cognitive, conduct, the sense of changing position, changing affective position and negative mood ($p<0.01$).

Keywords: *affect regulation,home runaway, basic psychological needs.*

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است.

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن
**. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن (نویسندهٔ مسئول). mirhashemi@riau.ac.ir

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

توسعه زندگی شهری، پیچیده‌ترشدن روابط اجتماعی، گسترش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده است. بطور کلی، آسیب اجتماعی به مطالعه بی‌نظمی ها و نابسامانی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵). یکی از مصادیق آسیب‌های اجتماعی فرار از خانه است (نیسی و حقیقی، ۱۳۸۶). فرار نوعی رفتار ناسازگارانه است که طی آن، کودک یا نوجوان بمنظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می‌کند و بدون واسطه به خانه برنمی‌گردد (زرگر، پورکمالی، مرادی و زرگر، ۱۳۸۷). طی دو دهه اخیر همراه با تحول جوامع و رشد شهرنشینی، پدیده فرار از خانه و کودکان خیابانی افزایش یافته است. بطور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز سامان‌دهی کودکان و نوجـــوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می‌شود (شاره و آقامحمدیان، ۱۳۸۶). براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱) سالانه بیش از ۱/۳ میلیون نوجوان بین ۱۳ تا ۱۹ ساله از خانه فرار می‌کنند که بیشتر آنها (۷۴ درصد) را دختران تشکیل می‌دهند (محمدخانی، ۱۳۸۶).

نوجوانی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران زندگی انسان به شمار می‌رود. دختران در دوره نوجوانی در مقایسه با پسران تنش و تنیدگی بیشتری را تجربه می‌کنند و برای کنارآمدن با آنها معمولاً بصورت هیجانی واکنش نشان می‌دهند. یکی از آسان‌ترین راه‌های هیجان‌مدار برای رویارویی با تنش‌ها فرار است (معظمی،۱۳۸۲). فرار از خانه یک سازوکار روانی است که نوجوانان و جوانان برای رسیدن به امنیت درونی و رهایی از سلطه والدین به آن مبادرت می‌کنند. پدیده فرار دختران از منزل که در سالهای اخیر در جامعه افزایش داشته است، یکی از مقوله‌های آسیب اجتماعی است که مهار آن مستلزم مدیریت قوی اجتماعی و حضور مداخله جویانه درروند آسیب‌های اجتماعی است. دیمن (۲۰۰۰) فرار از خانه را غیبت از خانه به مدت حداقل یک شب و بدون رضایت والدین یا سرپرست قانونی فرد تعریف می‌کند. همـــچنین، شارلین و موربارک (۱۹۹۲) فرار از خانه را بمعنی دورشدن از منزل به مدت ۲۴ ساعت یا بیشتر در نظر می‌گیرند که بدون آگاهی والدین یا برخلاف میل آنها صورت گیرد. مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها به عوامل مختلفی مانند عوامل خانوادگی، اجتماعی و محیطی توجه داشته و نقش خود فرد و به طور خاص ویژگی‌های شخصیتی وی در تبیین رفتار فرار از خانه را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند (محمدخانی، ۱۳۸۶).

در بروز رفتار فرار دختران از خانه عوامل بسیاری از قبیل عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی دخالت دارد. با توجه به این که در بعد عوامل فردی، رفتارهای انسان به انگیزه بستگی دارد. در واقع، انگیزش علت رفتارها است و این نیازها هستند که رفتار انسان را برانگیخته و هدایت می‌کنند. بنابراین، شناخت نیازهای روان‌شناختی بنیادی[1] به

[1] . basic psychological needs

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

عنوان محرک‌هایی که ممکن است رفتار فرار دختران را برانگیزد موضوعی قابل توجه است. از آنجا که ارضای نیازها شرایط لازم را برای رشد و بالندگی، انسجام یافتگی و بهزیستی روان‌شناختی شخص فراهم می‌کنند و زیربنای گسترده وسیعی از رفتارهای ما را تبیین می‌کنند، مفهوم جالب و جذابی در روان‌شناسی است(دسی و ریان، ۲۰۰۰). ممکن است نیازهای بنیادی روان‌شناختی و برآورده نشدن آنها، نقش مهمی در فرار دختران از خانه داشته باشد. علاوه براین، دختران فراری احتمال بیشتری دارد که به طور منفی تحت تأثیر هیجان‌ها قرار گیرند. بیشتر آنها با دست زدن به فعالیت‌هایی که افراد هیجان‌خواه جرأت انجام دادن آنها را ندارند سایرین را متحیر می‌سازند و هیجان‌های خود را بی‌پرده ابراز می‌کنند، در روابط خود با دیگران جسور هستند، ناهمرنگ با جماعت هستند و خطرپذیری بالایی دارند.

بررسی آسیب‌های اجتماعی به ویژه در خصوص دختران و زنان آسیب دیده اتخاذ از نگرشی را می‌طلبد که توانایی شناسایی ریشه ناسازگاریهای اجتماعی را داشته باشد (معظمی، ۱۳۸۲). پدیده فرار دختران از منزل یک پدیده چند علتی است که ریشه‌های آن را می توان در عوامل فردی و متغیرهای روان‌شناختی جستجو کرد. بنابراین، شناخت عوامل فردی از جمله نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عواطف می تواند در آگاهی علل رفتاری دختران برای اقدام به فرار مفید واقع شود. نیازهای روان‌شناختی بنیادی عبارتند از خودپیروی[1]، شایستگی[2] و ارتباط[3](دسی و ریان، ۲۰۰۰). خودپیروی، اسناد درونی رفتار است که به اراده و اختیار فرد اشاره دارد؛ شایستگی، یعنی احساس اثربخشی در فعالیت‌ها که در جهت انسجام بخشی به خود است و ارتباط با دیگران، نیاز به برقراری ارتباط صمیمی و گرم با سایر افراد اشاره دارد. نیازها به عنوان منبع درونی و روان‌شناختی شناخته می‌شوند که برای رشد و دوام بهزیستی و انسجام ضروری هستند (زرندی، ۱۳۸۴). شواهد نشان داده است که بین درجه ارضای نیاز ارتباط در یک رابطه خاص و امنیت دلبستگی و کیفیت رابطه با فردی دیگر همبستگی قوی وجود دارد (لاگاردیا، ریان، کوچمن، و دسی، ۲۰۰۰). در واقع، نظریه خودتعیین‌گری[4] (SDT) فرضیه‌هایی را در زمینه ماهیت مسائل اجتماعی مطرح می‌کند که به برآورده‌شدن این نیازها کمک می‌کنند و یا مانع برآورده شدن آنها می‌شوند. فرار دختران از همین دست مسائل است. نیازهای روان‌شناختی بنیادی و عدم ارضای آنها می توانند نقش شگرفی در اقدام دختران برای فرار داشته باشد.

از جمله عوامل مؤثر بر عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف تنظیم عاطفی است. شواهد نشان می‌دهد که مشکلات تنظیم عواطف با آسیب شناسی روانی رابطه معنی‌دار دارند. براساس این قبیل پژوهش‌ها، دختران فراری، افرادی

[1] -autonomy
[8] -competence
[3] -.relatedness
[4] .self detemination theory

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

مضطرب (لویس، ۱۹۹۱؛ فارو، دیشر، براون، کولیگ و کیپکه، ۱۹۹۲؛ کلارک، پندری و کیم، ۱۹۹۷؛ روزنتال، مالت و میرز، ۲۰۰۶)، افسرده (بوث و زانگ، ۱۹۹۹؛ آیرست، ۱۹۹۹؛ شرمن، پلیت، آل‌حسن، چنگ و ظفر، ۲۰۰۵؛ سالیو، فیشل، مک لافین، تاوین و لژوویکس، ۲۰۰۵) و دارای نگرش‌های ناکارآمد هستند (رسول زاده طباطبایی و آزاد فلاح، ۱۳۸۴). در مطالعه‌ای دیگر (شاره، اصغر نژادفرید، یکه‌یزدان دوست و طباطبایی، ۱۳۸۵) هوش هیجانی و برخی از مؤلفه‌های آن شامل احترام به خود، شادکامی، واقعیت‌سنجی، خودآگاهی هیجانی، تحمل تنیدگی، انعطاف‌پذیری، مهارت مهار تکانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حل مسأله با خطر فرار دختران از منزل همبستگی منفی و معنی‌دار دارند. تنظیم عواطف به تلاش‌های خود برای تغییر موقعیت، شامل افکار، هیجان‌ها، تکانه ها امیال و رفتارها و فرآیندهای توجه گفته می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که تنظیم عواطف شامل فرآیندهای هشیار و ناهوشیار است و سیستم‌های زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. تنظیم عواطف مستلزم توانایی فرد در تأثیرگذاری بر رفتار خود بجای واکنش خودکار در برابر محیط تعریف شده است (کدیور، ۱۳۸۰).

پژوهش دیگری نشان داد که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی در صفاتی چون ثبات عاطفی، استقلال، قدرت پیش‌بینی و پایبندی به اصول اخلاقی نمره پایین‌تری کسب می‌کنند (رسول‌زاده طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۴). اما، در متغیرهای تجارب جدید، بی‌اعتمادی و اضطرب و خودراهبری نمره‌های بالاتری به دست آوردند. پژوهشی دیگر (بازیاری میمندی، ۱۳۸۱) نیز حاکی از آن بود که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بیشتر از سبک مقابله ای هیجان‌مدار استفاده می‌کنند. در همین راستا، زرگر، مرادی و ایمانی (۱۳۸۷) طی مطالعه‌ای نشان دادند که میانگین نمره‌های دختران فراری در مقیاس‌های بین فردی، اضطراب، افسردگی، تفکر پارانویید، روان‌پریشی و نمره کل در SCL90-R در مقایسه با دختران عادی بالاتر است. کریمی طرمزی (۱۳۹۳) بین میانگین نمره‌های دختران بهنجار و دختران فراری در چهار متغیر باز بودن به تجربه، وجدانی بودن، هویت اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی تفاوت معنی‌دار بدست آورد. این نتایج حاکی از این است که گروه دختران فراری از نظر ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی با دختران عادی تفاوت معنی‌دار دارند. طهرانی‌زاده، رسول‌زاده طباطبائی و آزاد فلاح (۱۳۸۴) نیز دریافتند که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی ارزشمندی خود را وابسته به میزان موفقیت خود می‌دانند، و خود را بدون دلیل واضح و آشکار مسئول رفتارها و اعمال منفی دیگران می‌دانند. همچنین، وابستگی به دیگران و سلطه پذیری از جمله خصوصیات دیگر این افراد است.

با توجه به مرور پهنهٔ نظری و پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که دختران فراری از بسیاری جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و رفتاری مشکلات فراوانی دارند. بنابراین، شناسایی این عوامل می‌تواند در کاهش فراوانی فرار از خانه و از همه مهم‌تر کاستن آسیب‌های روانی، اجتماعی و جسمانی ناشی از فرار، سودمند باشد. در عین حال، با توجه به حجم مطالعات انجام شده، موضوع تنظیم عواطف و به ویژه نیازهای روان‌شناختی بنیادی کمتر

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

مورد توجه بوده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مقایسه بین نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عاطفی دختران فراری و بهنجار به انجام رسید. فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش نیز عبارت بودند از (۱) سطح نیازهای روان‌شناختی بنیادی (خودپیروی، شایستگی و ارتباط) در دختران فراری پایین‌تر از دختران عادی است، و (۲) تنظیم عاطفی (بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی، خلق منفی، خلق مثبت) در دختران فراری پایین‌تر از دختران بهنجار است.

روش

این پژوهش بر مبنای پژوهش‌های غیرآزمایشی از نوع علی- مقایسه‌ای به انجام رسید. جامعه آماری شامل دختران فراری شهر تهران و دانش‌آموزان دختر بهنجار مقطع دبیرستان در شهر تهران بود. نمونه آماری شامل ۵۰ دختر فراری و ۵۰ دختر بهنجار بود که از نظر سن و طبقه اجتماعی خانواده همتا شدند. حجم نمونه براساس نتایج مطالعات قبلی در این زمینه برآورد شد. پس از کسب مجوز از سازمان بهزیستی و مراجعه به پزشکی قانونی استان تهران نمونه گیری از دختران فراری به صورت در دسترس انجام شد. برای انتخاب دختران عادی پس از مراجعه به چهار دبیرستان شهر تهران از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس نیازهای روان‌شناختی بنیادی[1]: این مقیاس بر اساس نظریه خودتعیین‌گری (SDT) شامل ۲۱ عبارت توسط دسی و ریان (۲۰۰۰) ساخته شده است. محور اصلی نظریه خودتعیییین‌گری مفهوم نیازهای روان‌شناختی بنیادی است. طبق این نظریه، فرض بر این است که این نیازها ذاتی و جهان شمول‌اند. مقیاس اصلی با ۲۱ عبارت سه نیاز اصلی شامل خودپیروی، شایستگی، و ارتباط را اندازه گیری می‌کند. شماره عبارت‌های مربوط به اندازه گیری این سه نیاز به ترتیب عبارتند از: نیاز خودپیروی با عبارت‌های ۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷ و ۲۰، نیاز شایستگی با عبارت‌های ۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵، و ۱۹، و نیاز ارتباط با عبارت‌های ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، و ۲۱. شیوه نمره‌گذاری در این مقیاس به روش لیکرت از یک تا هفـــــت درجه است. عبارت‌های ۴، ۱۱، ۲۰، ۳، ۱۵، ۱۹، ۷، ۱۶، و ۱۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. هومن، بشردوست و کتابی(۱۳۹۱) ضریب آلفای کرانباخ ۰/۶۹ تا ۰/۷۱ را برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. این مقیاس در نمونه‌های مدیران و دانشجویان ایرانی اجرا شده و از روایی و اعتبار مطلوبی برخوردار است به‌طوری که آلفای آن‌ها بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۹ در نوسان است(یوسفی‌صفت پیشخانی، ۱۳۹۲). در این مطالعه، مقدار ضریب آلفای کرونباخ با اجرای آن روی نمونه‌ای از دختران بهنجار (n=۲۳) ۰/۸۳ به دست آمد.

[1] . Basic Psychological Needs Scale (BPNS)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

مقیاس سبک‌های تنظیم عاطفی مارس[1]: این پرسشنامه با ۴۴ عبارت شش بعد شناختی، رفتاری، تغییر موقعیت، تغییر عاطفه، کاهش خلق منفی و افزایش خلق مثبت را اندازه‌گیری می‌کند. پریزمیک-لارسن، لارسن و آگوستین(۲۰۱۴) ساختار عاملی این مقیاس را در نمونه‌ای متشکل از ۵۶۵ دانشجو و ۱۳۵ بزرگسال بررسی کردند. برپایه تحلیل عاملی اکتشافی مبتنی بر چارچوب نظری پارکینسون و توتردل(۱۹۹۱) شش عامل تنظیم عاطفی استخراج شد. اعتبار ۶ عامل این مقیاس با اجـــرای آن بر روی ۳۶ نفر براساس روش برآورد همسانی درونی بین ماده‌ها (ضریب آلفای کرونباخ) بین ۰/۷۵-۰/۵۱ به‌دست‌آمد. علاوه‌براین، براساس روش بازآزمایی در فاصله زمانی یک سال، ضریب همبستگی شش عامل تنظیم عاطفی بین ۰/۷۷-۰/۴۱ بود. در مطالعه کریمی و فرح بخش(۱۳۹۰) آلفای کرونباخ مقیاس تنظیم عاطفی ۰/۸۸ به دست آمد. در مطالعه حاضر، با اجرای آن روی نمونه ای از دختران بهنجار (n=۴۹) مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

شیوهٔ اجرا

برای اجرای پژوهش و بویژه اجرای ابزار اجازه کتبی از مسوولان سازمان بهزیستی و مدارس اخذ شد و به همه شرکت‌کنندگان اعلام شد که تمامی اطلاعات محرمانه باقی خواهد ماند. در عین حال، اعلام شد چنانچه مایل به دریافت اطلاعات حاصل از اجرای ابزار باشند در اختیار آن‌ها قرار داده خواهدشد. پس از اجرای نمونه‌گیری و جلب همکاری شرکت‌کنندگان و ارایه توضیحات مختصری درباره هدف پژوهش حاضر به آن‌ها، مقیـــاس‌های نیازهای روان‌شناختی بنیادی و سبک‌های تنظیم عاطفی مارس به‌صورت همزمان بر روی آنها اجراء شد. در نهایت، با بررسی مقیاس‌های جمع‌آوری شده از لحاظ پاسخ‌دادن به همه پرسش‌ها، داده‌های آن ها طبق راهنمای مقیاس‌ها به نرم افزار SPS16 وارد و تحلیل شد.

یافته‌ها

در این پژوهش، متـــناسب با متغیرهای مورد مطالعـه و نـوع داده‌هـای جمـع آوری شـده، بـــنظور توصـیف آنـان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شـد. در مرحلـه تحلیـل آمـاری، بـا توجـه بـه ماهیـت ابزارهای اندازه‌گیـری و فرضـیات پـژوهش بـرای تحلیـل داده‌هـا از روش‌هـای آمـاری تحلیـل پـراکنش چنـدمتغیـری (MANOVA) استفاده شد. پس از بررسی داده‌ها از طریـق اکســپلور، از مجمـوع ۱۰۰ شـرکت‌کننـده، داده‌هـای سـه شرکت‌کننده به شماره‌های چهار و ۲۶ (گروه دختران فراری) و شماره یک (گروه دختران بهنجار) به دلیل پرت‌بـودن از تحلیل کنار گذاشته شدند و تعداد موارد گمشده نیز در حد صفر بود.

[1] . Measure of Affect Regulation Styles (MARS)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

جدول ۱

خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های شرکت‌کنندگان گروه دختران فراری (n=۴۸) و دختران بهنجار (n=۴۹) در متغیرهای نیازهای بنیادین و تنظیم عواطف

متغیرها	متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	k-s	Sig
دختران فراری	**نیازهای بنیادی**	خودپیروی	۱۵/۸۸	۰/۹۶۱	۰/۳۳۷	۱/۸۶۹	۱/۰۴۸	۰/۲۲۲
		شایستگی	۱۴/۵۴	۳/۹۰۸	۰/۷۸۵	۰/۳۰۷	۱/۲۴۵	۰/۰۹۰
		ارتباط	۲۱/۸۱	۶/۵۰۹	۰/۵۴۱	-۰/۷۶۶	۱/۳۱۰	۰/۰۶۵
	تنظیم هیجان	شناختی	۱۴/۹۴	۵/۷۹۶	-۰/۰۷۵	-۱/۰۲۴	۰/۷۷۹	۰/۵۷۸
		رفتاری	۱۶/۶۲	۴/۹۰۲	-۰/۱۱۱	-۰/۵۰۴	۰/۶۸۸	۰/۷۳۱
		تغییر موقعیت	۱۴/۱۲	۵/۷۸۹	۰/۳۴۶	-۰/۳۲۰	۰/۹۹۰	۰/۲۸۱
		موقعیت عاطفی	۱۵/۵۴	۵/۴۳۰	۰/۱۷۹	-۰/۴۴۲	۰/۷۷۷	۰/۵۸۱
		خلق منفی	۱۷/۴۰	۵/۲۸۶	-۰/۴۱۸	-۰/۱۴۹	۰/۶۵۹	۰/۷۷۸
		خلق مثبت	۱۸/۵۴	۶/۴۲۸	-۰/۳۹۶	۰/۲۲۸	۰/۰۱۹	۰/۳۶۸
دختران بهنجار	**نیازهای بنیادی**	خودپیروی	۱۸/۸۴	۴/۱۶۵	۰/۲۲۳	-۰/۳۶۰	۱/۲۰۰	۰/۱۱۲
		شایستگی	۱۹/۸۰	۵/۹۱۲	۰/۱۵۷	-۰/۶۵۰	۰/۶۱۶	۰/۸۴۲
		ارتباط	۲۸/۱۰	۶/۶۴۷	۰/۶۲۸	-۰/۴۴۳	۰/۹۵۷	۰/۳۱۹
	تنظیم عواطف	شناختی	۱۹/۵۹	۳/۷۶۹	۰/۱۴۷	-۰/۶۰۳	۰/۸۵۱	۰/۴۶۴
		رفتاری	۲۰/۱۴	۴/۵۵۱	-۰/۴۸۰	۰/۷۱۷	۰/۷۵۲	۰/۶۲۴
		تغییر موقعیت	۱۸/۸۶	۴/۴۱۶	-۰/۱۶۵	-۰/۷۵۸	۰/۹۴۷	۰/۳۳۲
		موقعیت عاطفی	۲۰/۵۷	۴/۴۰۲	۱/۰۹۳	۰/۹۱۴	۱/۲۸۱	۰/۰۷۵
		خلق منفی	۲۳/۰۴	۴/۷۴۳	-۰/۷۹۳	۰/۹۶۳	۰/۶۳۲	۰/۸۱۹
		خلق مثبت	۲۰/۶۱	۶/۲۶۴	-۰/۵۴۵	-۰/۴۰۰	۱/۱۰۱	۰/۱۷۷

جدول ۲

خلاصه آزمون‌های چندمتغیری

اثر	آزمون ها	مقادیر	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	Sig	مجذور ایتا
گروه‌ها	**اثر پیلای**	۰/۲۹۲	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲
	ویلکز لامبدا	۰/۷۰۸	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲
	اثر هوتلینگ	۰/۴۱۲	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲
	بزرگترین ریشه روی	۰/۴۱۲	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲

با توجه به مقدار آزمون های چندگانه به ویژه ویلکز لامبدا (۰/۷۰۸) و F محاسبه شده (۱۲/۷۵۷) با درجه آزادی ۹۳ و سه می‌توان فرض صفر را رد کرد (P <۰/۰۱). به عبارت دیگر، تفاوت میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در سه مؤلفه نیازهای روان‌شناختی بنیادی (خودپیروی ادراک‌شده، شایستگی ادراک‌شده، ارتباط ادراک‌شده) معنی‌دار است و

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

براساس سه مؤلفه فوق، می توان دختران فراری را از دختران عادی تفکیک کرد. بنابراین، شواهد برای پذیرش فرضیه اول کافی است. اندازه اثر اختلاف با توجه به مقدار مجذور ایتا (۰/۲۹۲) در حد متوسط است.

جدول ۳

خلاصه آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها

منابع	متغیرهای وابسته	SS	df ۱	df ۲	MS	F	Sig	مجذور ایتا
گروه ها	خودپیروی	۲۱۲/۶۹۵	۱	۹۵	۲۱۲/۶۹۵	۱۲/۸۷۱	۰/۰۰۱	۰/۱۱۹
	شایستگی	۶۶۹/۴۰۳	۱	۹۵	۶۶۹/۴۰۳	۲۶/۵۴۳	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸
	ارتباط	۹۵۹/۱۸۷	۱	۹۵	۹۵۹/۱۸۷	۲۲/۱۶۱	۰/۰۰۱	۰/۱۸۹

با توجه به نتایج آزمون های اثرات بین آزمودنی‌ها (مقادیر F و سطح معنی‌داری آن‌ها) می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در هر سه مؤلفه خودپیروی ادراک‌شده، شایستگی ادراک‌شده و ارتباط ادراک‌شده تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقادیر میانگین‌های این دو گروه حاکی از این است که در هر سه مؤلفه، میانگین نمره‌های دختران فراری از میانگین نمره‌های دختران عادی پایین‌تر است.

جدول ۴

خلاصه آزمون‌های چندمتغیری

اثر	آزمون ها	مقادیر	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	Sig	مجذور ایتا
گروه ها	اثر پیلای	۰/۳۴۷	۷/۹۷۹	۶	۹۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴۷
	ویلکز لامبدا	۰/۶۵۳	۷/۹۷۹	۶	۹۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴۷
	اثر هوتلینگ	۰/۵۳۲	۷/۹۷۹	۶	۹۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴۷
	بزرگترین ریشه روی	۰/۵۳۲	۷/۹۷۹	۶	۹۰	/۰۰۱	۰/۳۴۷

با توجه به مقدار آزمون های چندگانه به ویژه ویلکز لامبدا (۰/۶۵۳) و F محاسبه شده (۷/۹۷۹) با درجه آزادی ۹۵ و شش می‌توان فرض صفر را رد کرد (P <۰/۰۱). به عبارت دیگر، تفاوت میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در شش بعد تنظیم عاطفی (بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی، خلق منفی، خلق مثبت) معنی‌دار است و بر اساس شش مؤلفه فوق، می توان دختران فراری را از دختران عادی تفکیک کرد. بنابراین، شواهد برای پذیرش فرضیه دوم کافی است. اندازه اثر اختلاف با توجه به مقدار مجذور ایتا (۰/۳۴۷) در حد متوسط است.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

جدول ۵

خلاصه آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها

منابع	متغیرهای وابسته	SS	df ۱	df ۲	MS	F	Sig	مجذور ایتا
گروه ها	شناختی	۵۲۵/۲۶۸	۱	۹۵	۵۲۵/۲۶۸	۲۲/۰۷۴	۰/۰۰۱	۰/۱۸۹
	رفتاری	۳۰۰/۰۷۰	۱	۹۵	۳۰۰/۰۷۰	۱۳/۴۲۶	۰/۰۰۱	۰/۱۲۴
	تغییر موقعیت	۵۴۲/۹۷۷	۱	۹۵	۵۴۲/۹۷۷	۲۰/۵۴۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۸
	موقعیت عاطفی	۶۱۳/۴۲۴	۱	۹۵	۶۱۳/۴۲۴	۲۵/۱۶۳	۰/۰۰۱	۰/۲۰۹
	خلق منفی	۷۷۲/۶۶۴	۱	۹۵	۷۷۲/۶۶۴	۳۰/۶۶۹	۰/۰۰۱	۰/۲۴۴
	خلق مثبت	۱۰۳/۹۵۶	۱	۹۵	۱۰۳/۹۵۶	۲/۵۸۲	۰/۱۱۱	۰/۰۲۶

با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها (مقادیر F و سطح معنی‌داری آن ها) می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در پنج مؤلفه تنظیم عاطفی (بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی، و خلق منفی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقادیر میانگین‌های این دو گروه حاکی از این است که در هر پنج مؤلفه، میانگین نمره‌های دختران فراری از میانگین نمره‌های دختران عادی پایین‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین نیازهای روان‌شناختی بنیادی دختران فراری و دختران بهنجار در هر سه مؤلفه خودپیروی ادراک‌شده، شایستگی ادراک‌شده و ارتباط ادراک‌شده تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقادیر میانگین های این دو گروه حاکی از این است که در هر سه مؤلفه، میانگین نمره‌های دختران فراری از میانگین نمره‌های دختران عادی پایین‌تر است. همچنین، بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در ۵ مؤلفه خودتنظیمی هیجانی(بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی و خلق منفی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقادیر میانگین‌های این دو گروه حاکی از این است که در هر پنج مؤلفه، میانگین نمره‌های دختران فراری از میانگین نمره‌های دختران عادی پایین‌تر است. به طور کلی، این یافته‌ها تا حدود زیادی با نتایج سایر پژوهش‌های انجام شده مطابقت داشت. رسول‌زاده‌طباطبایی و همکاران (۱۳۸۴) همچنین، طهرانی‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) نیز یافتند که دختران فراری بیش از دختران عادی ارزش خود را به میزان موفقیت خود مشروط می کنند، اسیر شخصی‌سازی می‌شوند و خود را بی‌دلیل مسئول اقدامات و اعمال منفی دیگران می دانند. وابستگی به دیگران و سلطه‌پذیری از دیگر ویژگی‌های این افراد است. بازیاری میمندی (۱۳۸۱) نیز نشان داد که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی از سبک مقابله ای هیجان‌مدار بیشتر استفاده می‌کنند و زرگر و همکاران (۱۳۸۷) نشان دادند که دختران فراری در مقیاس‌های بین فردی، اضطراب، افسردگی، تفکر پارانویید، روان‌پریشی و نمره کل در SCL90-R نمره‌های بالاتری در مقایسه با دختران عادی کسب می‌کنند. و کریمی طرمزی (۱۳۹۳) نیز به تفاوت‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی بین دختران عادی و دختران فراری دست یافت. همچنین، سایر پژوهش هایی که به طور موازی انجام شده‌اند نتایج آنها از لحاظ کلی با با نتایج به دست آمده از این پژوهش همسو بوده و بیانگر تفاوت‌های شخصیتی،

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

نگرشی و حالت های روان شناختی و رفتاری هستند (برای نمونه، لویس، ۱۹۹۱؛ فارو و همکاران ۱۹۹۲؛ کلارک و همکاران، ۱۹۹۷؛ شارلین و مور- باراک ۱۹۹۲؛ بوث و زانگ، ۱۹۹۹؛ آیرست ۱۹۹۹؛ شرمن و همکاران، ۲۰۰۵؛ سالیو و همکاران، ۲۰۰۵؛ روزنتال و همکاران، ۲۰۰۶؛ شاره و همکاران، ۱۳۸۵).

در تبیین نتایج حاصل می‌توان چنین اظهار داشت که در بروز رفتار فرار دختران از خانه عوامل بسیاری از قبیل عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی دخالت دارد. شناخت نیازهای روان شناختی بنیادی به عنوان محرک‌هایی که ممکن است رفتار فرار دختران را برانگیخته نماید، موضوعی قابل تامل است. از آنجا که ارضای نیازها شرایط لازم را برای رشد و بالندگی، بهزیستی روان‌شناختی شخص فراهم می‌کنند (دسی و ریان، ۲۰۰۰) و زیربنای گسترده وسیعی از رفتارهای ما را تبیین می کنند، برهمین اساس نیازهای روان‌شناختی بنیادی و عدم ارضای آنها می‌تواند نقش بسزایی در فرار دختران از خانه داشته باشد. به عبارت دیگر، ارضای ناکافی نیازهای روان‌شناختی بنیادی به ویژه ارتباط، و همچنین، نیازهای شایستگی و خودپیروی یا استقلال توسط خانواده و سایر اجزای جامعه می‌تواند آثار مخربی در نوجوانی و جوانی داشته و به بروز رفتارهای آسیب‌زا و غیرعادی از جمله فرار از خانه منجر شود. روزنتال و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند که در دو سوم از نوجوانان ۲۰-۱۲ ساله، تعارض بین آنان و والدین عامل مهمی است که عمدتا حاصل برخورد بین آنان در برآورده شدن نیاز به خودپیروی است. علاوه براین، دختران فراری احتمال بیشتری دارد که به طور منفی تحت تأثیر هیجان‌ها قرار گیرند، زیرا آن‌ها هیجان خواهی بیشتری را نسبت به نوجوانان غیرفراری در سطوح گسترده زندگی‌شان متحمل می‌شوند. بیشتر آن‌ها با دست زدن به فعالیت‌هایی که افراد هیجان‌خواه جرات انجام دادن آنها را ندارند دیگران را متحیر می‌کنند و هیجان‌های خود را بی‌پرده ابراز می‌کنند، در روابط خود با دیگران جسور هستند، ناهمرنگ با جماعت هستند و خطرپذیری بالایی دارند.

تنظیم عاطفی یکی از عواملی است که بر عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف اثرگذار است. بنابراین، همان طور که مطالعات مختلف به وجود رابطه مشکلات تنظیم عاطفی با آسیب‌شناسی روانی انجام شده است، تنظیم عاطفی پایین در دختران فراری موضوعی قابل تایید است که این پژوهش نیز بدان دست یافته است. همان طور که نتایج پژوهش بازیاری میمندی (۱۳۸۱) نشان داده است، دختران فراری در مقایسه با همتایانشان در مواجهه با مشکلات از روش‌های غیرمنطقی و بیشتر هیجان‌مدار استفاده می‌کنند، همچنین دختران فراری، فرار را به عنوان راهی برای افزایش اعتمـــاد به خود انتخاب می‌کنند. اسپرینگر (۲۰۰۱) نیز بر این باور است که مهم‌ترین مشخصه افراد فراری ناهمرنگی با جماعت، خطرپذیری بالا، شیوه عملکرد مستقل از نگرش‌ها و نیازهای دیگران، تنوع‌جویی، ابراز بی‌پرده هیجان‌ها، افسردگی، خودکشی، گرایش‌های همجنس‌بازی، عزت‌نفس پایین اشاره کرد که همگی این مشخصه ها از ویژگی‌های افراد دارای مشکلات در زمینه تنظیم عاطفی است. در نهایت، براساس یافته‌های این مطالعه پیشنهاد می شود والدین در برخورد با فرزندان خود به ویژه در دوران اولیه کودکی به موضوع ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادی و همچنین، آموزش شیوه های مدیریت هیجان‌ها و نحوه ابراز آن ها تلاش بیشتری نشان دهند.

روشن است که مقطعی بودن این پژوهش و استفاده از پرسشنامه می‌توانند به عنوان محدودیت‌های عمده این پژوهش به حساب آیند. علاوه‌براین، عدم امکان انتخاب تصادفی گروه دختران فراری از جمله محدودیت‌های روش‌شناختی این

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

مطالعه است. در عین حال، حذف برخی داده‌ها به دلیل پرت‌بودن حکایت از این دارد که احتمال پاسخگویی ناصادقانه نیز در گروه‌های مورد مطالعه به ویژه دختران فراری بیشتر بوده است.

منابع

بازیاری میمندی، مهتاب. (۱۳۸۱). *بررسی مقایسه ای ویژگی های شخصیتی،عوامل تنیدگی زا، شیوه های مقابله ای و شرایط اجتماعی – اقتصادی دختران فراری و غیرفراری*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران. دانشگاه تربیت مدرس.

رسول‌زاده‌طباطبایی، سیدکاظم؛ بشارت، محمدعلی؛ و بازیاری میمندی، مهتاب. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه ای ویژگی های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و غیرفراری. *دو ماهنامه دانشور رفتار*، سال دوازدهم، شماره ۱۰، ۳۴-۲۳ .

زرگر، فاطمه؛ پورکمالی، طاهره؛ مرادی، اعظم؛ و زرگر، علی. (۱۳۸۷). مقایسه عملکرد خانواده، دختران اقدام کننده به فرار از منزل با گروه شاهد در شهر اصفهان. *مجله علوم پژوهشات رفتاری*، دوره ۷، شماره ۱، ۷۴-۶۹.

زرگر، فاطمه؛ مرادی، اعظم؛ و ایمانی، سعید. (۱۳۸۷). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان و دختران فراری و عادی شهر اصفهان. *اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی*، دوره سوم، شماره ۱۰، ۵۸-۴۷.

زرندی، علیرضا. (۱۳۸۴). *رابطه پنج عامل شخصیت و خودشناسی انسجامی با رهبری تحولگرا و عملکرد مدیران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در روانشناسی. دانشگاه تهران.

سلیمی، علی؛ و داوری، محمد. (۱۳۸۵). *جامعه شناسی کجروی*. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شاره، حسین؛ اصغرنژاد فرید، علی اصغر؛ یکه‌یزدان‌دوست، رخساره؛ و طباطبایی، سیدمحمود. (۱۳۸۵). ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره۲۱ ،۲۲۵-۲۴۳.

شاره، حسین؛ و آقامحمدیان، حمیدرضا. (۱۳۸۶). رابطه بین پایگاه های هویت و فرار دختران از خانه. *مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۲۷-۱۲۲.

طهرانی‌زاده، مریم؛ رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم؛ و آزاد فلاح، پرویز. (۱۳۸۴). بررسی مقایسهای نگرش های ناکارآمد در دختران فراری و عادی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹،۲۲۴-۲۰۵.

کدیور، پروین.(۱۳۸۰). *بررسی خودکارآمدی، خودگردانی و هوش در پیشرفت درسی دانش آموزان به منظورالگویی برای یادگیری بهینه*.تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

کریمی‌طرمزی، زهرا. (۱۳۹۳). *مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی دختران فراری و دختران عادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

کریمی، مهین؛ و فرح‌بخش، کیومرث.(۱۳۹۰). رابطه خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۱۱، شماره ۹ (پیاپی ۳۸) (ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت)، ۱۱۶۱- ۱۱۴۹.

محمدخانی، شهرام. (۱۳۸۶). عوامل روانی– اجتماعی موثر در فرار دختران از خانه. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۶۸-۱۴۷.

معظمی، شهرام. (۱۳۸۲) . *فرار دختران چرا* ؟ تهران : گرایش.

نیسی، عبدالکاظم؛ حقیقی، جمال؛ و پرهیزکار، مصطفی. (۱۳۸۶). شناسایی عوامل موثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات روانی آنان در استان خوزستان. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، ۱۲۰-۱۰۵.

هومن، حیدرعلی؛ بشردوست، سیمین؛ و کتابی، امیرحسین. (۱۳۹۱). ویژگیهای روان‌سنجی مقیاس نیازهای اساسی روان-شناختی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران. *فصلنامه تخصصی روان‌سنجی*، دوره اول شماره دوم، ۴۹-۵۳.

یوسفی‌صفت‌پیشخانی، س.(۱۳۹۲). *مقایسه نیازهای بنیادی روان شناختی و اختلال بدشکلی بدن در افراد متقاضی جراحی زیبایی و افراد غیرمتقاضی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

Ayerst, S. L. (1999). Depression and stress in street youth. *Adolescence*, (34)135, 567-575.

Booth, R. E., & Zhang, Y. (1999). The challenge of changing drug and sex risk behaviors of runaway and homeless adolescents, *Child Abuse andNeglect*, 23, 1295-1306.

Clarke, P. N., Pendry, N. C., & Kim, Y. S. (1997). Patterns of violence in homeless women. *Western Journal of Nursing research*, 19, 490-500.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.

De Man, A. F. (2000). Predictor of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality*, 28 (3), 261-268..

Farrow, J. A., Deisher, R.W., Brown, R., Kulig, J. W. & Kipke, M. D.(1992). Health and health needs of homeless and runaway youth. A position paper of the Society for Adolescent Medicine. *Journal of Adolescent Health*, 13 (8), 717-726.

La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L. (2000). Within-person variation insecurity of attachment: A self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 367-384.

Larsen, R. J., & Prizmic-Larsen, Z. (2004). Affect regulation. In R.F. Baumeister & K.D. Vohs (Eds.*), Handbook of Self-Regulation: Research, theory, and applications*. New York: The Guilford Press.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]

Lewis, M. (1991). Intensive individual psychodynamic psychotherapy: The therapeutic relationship and the technique of interpretation. In M. Lewis (Ed.). *Child and adolescent psychology: A comprehensive textbook* (pp.796-812). Baltimor: Williama & Wilkins.

Parkinson, B., & Totterdell, P.(1999). Classifying affect-regulation strategies. *Cognition and Emotion*, 13(3), 277-303.

Prizmic-Larsen, Z., Larsen, R. J., & Augustine, A. (2014). Individual differences in affect regulation strategies. *Personality and Individual Differences*, Vol 60, Supplement, Pages S59.

Rosenthal, D., Mallett, S., & Myers, P. (2006). Why do homeless young people leave home? Australian and New Zealand. *Journal of Public Health*, Vol. 30, 185 – 281.

Saliou, V., Fichelle, A., McLoughlin, M., Thauvin, I., & Lejoyeux, M. (2005). Psychiatric disorders among patients admitted to a French medical emergency service. *General Hospital Psychiatry*, 24, 263- 268.

Sharlin, S. A, & Mor-barak, M. (1992). Runaways girls in distress, motivation, background , and personality. *Adolescence*, 27(106), 387-405.

Sherman, S. S., Plitt, S., ul Hassan, S., Cheng, Y., & Zafar, S.T. (2005).Drug use, street survival, and risk behaviors among street children inLahore, Pakistan. *Journal of Health*, 82(3 Suppl 4).113-124.

Springer, D. W. (2001). Correlates of depression among runaway adolescents in Korea. *Child Abuse & Neglect*, 29 (12), 1433–1438.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1395.2.1.3.9]